

بررسی نقش خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران

- * مسعود مطلبی
** سید محمدرضا موسوی
*** سید علیرضا عزیز موسوی

چکیده

این پژوهش با بررسی این سؤال که وقوع انقلاب اسلامی چه نقشی در خشونت‌های ضدشیعی در پاکستان و افزایش آن داشته است، این فرضیه را طراحی کرده است که وقایع پس از انقلاب ایران در پاکستان نشان می‌دهد که استکبار در دو محور به مبارزه و مقابله با آرمان‌های انقلاب اسلامی و ارزش‌های تشیع در پاکستان برآمد: محور اول عبارت بود از ایجاد تفرقه بین شیعیان و اهل سنت پاکستان و دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای؛ محور دوم انجام فعالیت‌هایی به منظور جلوگیری از نفوذ انقلاب ایران در پاکستان.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، خشونت‌های ضدشیعی، پاکستان، اسلام سیاسی

* استادیار علوم سیاسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران
** کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
*** کارشناسی ارشد علوم دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) یکی از رخداد‌های بزرگ نیمه دوم سده بیستم بود که باعث ایجاد تغییرات و تحولات فراوانی در کشورهای منطقه و نیز در ساختار قدرت جهانی شد. این انقلاب به درون مرزهای ملی کشور باقی نماند، و با برخورداری از دیدگاه فرامرزی خود کشورها و ملت‌های فراوانی را به خصوص در خاورمیانه تحت تاثیر قرار داد(حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۷۳). هر چند انقلاب اسلامی یک الگوی عملی را به جنبش‌های اسلامی عرضه داشت؛ اما انقلاب ایران بیشترین تاثیر را بر جمعیت‌های شیعی منطقه داشته است (فاضلی نیا، ۱۳۸۸: ۶۱)؛ و از یک طرف موجب شد مذهب شیعه مورد توجه قرار گرفته و به جهانیان معرفی شود و از طرف دیگر، جوامع شیعی در کشورهای مختلف در اثر انقلاب اسلامی احساس خودباوری کرده، در جهت رشد و ارتقای سیاسی گام بردارند.

انقلاب ایران موجب شد تا حرکت‌های اسلامی و شیعی به تشکیل و یا سازماندهی مجدد پرداخته و در راستای احقاق حقوق و اثبات هویت خود به مبارزه برخیزند(درخشه و جمیری، ۱۳۹۰: ۳۶). در این میان وقوع انقلاب اسلامی در ایران تحولی عظیم بر جامعه مذهبی پاکستان و به خصوص بر شیعیان این کشور بر جای گذاشت و موجب احیاء مجدد حیات سیاسی-اجتماعی و هویت یابی و خودآگاهی شیعیان پاکستان شد. از سوی دیگر روی کار آمدن حکومت شیعی در ایران واقعه‌ای بود که عوامل موثر بر ژئوپلیتیک منطقه را دگرگون ساخت و باعث شد غرب از زاویه دیگری به منطقه و عناصر ژئوپلیتیک آن توجه کند. انقلاب ایران موازنه قوا در منطقه را به هم زد و سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خاورمیانه را دگرگون نمود و حساسیت‌ها و واکنش‌هایی را نسبت به کشورهایی که دارای جمعیت شیعه بودند، برانگیخت. در این میان پاکستان جایگاه ویژه‌ای داشت، از این مقطع به بعد تلاش برای خنثی نمودن تاثیرات انقلاب اسلامی ایران در راس سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کشور پاکستان قرار گرفت و اقدامات و دخالت‌هایی را سبب شد که با وجود ساختار فرقه‌ای جامعه پاکستان و با تحولاتی که در عرصه سیاسی داخلی پاکستان در دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد، این دخالت‌ها تسهیل شد.

با توجه به این که خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان همچنان ادامه دارد، و در سال‌های گذشته، مخصوصاً مناطقی مانند پانچار گونه‌ای از پاکسازی مذهبی-فرقه‌ای را تجربه کرده است و امروزه بیش از ۷۰ درصد قربانیان حملات تروریستی در پاکستان را شیعیان تشکیل می‌دهند. این مقاله با به بررسی چرایی و چگونگی دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تشدید خشونت‌های ضد

شیعی در پاکستان بعد از انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد.

۱. چارچوب نظری؛ اسلام سیاسی

پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران در یک بررسی واژگانی در می‌یابیم که واژه اسلام سیاسی در ادبیات سیاسی ایران و جهان وجود نداشته است و در واقع مولود سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران و برگرفته از نقش اسلام و ایدئولوژی اسلامی در جریان شکل‌گیری، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران است. شاید علت عدم کاربرد و رواج واژه اسلام سیاسی در غرب آن باشد که در ادبیات سیاسی غربی‌ها، دین اساساً از سیاست جدا تلقی می‌شود و دین در چارچوب فکری آنان دارای نقش صرفاً فردی و نه قطعاً اجتماعی است.

این در حالی است که آن بعد از اسلام سیاسی که در دید آنان برداشتی بنیاد گرایانه از اسلام تحلیل می‌شود و بالتبع نقطه ضعف اسلام محسوب می‌شود؛ مهمترین بعد مثبت و نقطه قوت انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. که در واقع همین مفهوم از اسلام در اندیشه صدور انقلاب محور تحولات و جنبش‌های اخیر منطقه تلقی می‌گردد. کارکرد اجتماعی و سیاسی پیدا کردن دین در جریان انقلاب ایران در سال‌های 56 و 57 عملاً اسلام را سیاسی و این اسلام سیاسی را با به پیروزی رساندن یک انقلاب عظیم مردمی در سال‌های پایانی قرن بیستم به جهان معرفی کرد. (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۲۲)

اسلام سیاسی برای توصیف آن دسته از گروه‌های سیاسی اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند؛ بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به شمار آورد که گرد مفهوم دال مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته و بر تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید دارد و مدعی است اسلام نظریه‌ای جامع در باره دولت و سیاست دارد... و هدف نهایی گفتمان اسلام سیاسی نیز بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و ... بدین ترتیب این گفتمان در تقابل غیریت و تخاصم با همه گفتمان‌های مدرن و سنتی که اعتقادی به ادغام دین و سیاست ندارند قرار می‌گیرد. (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷)

در جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف درباره تعریف اسلام سیاسی می‌توان گفت اسلام سیاسی به معنای اسلام عدالت‌خواه، توسعه‌گرا، دنیاگرا، اقتداگرا، تمدن‌ساز، واقع‌گرا، زندگی، انقلاب و اصلاح، علم و عقل و پیشرفت و مبارزه با سلطه، نظام‌ساز و عمل‌گرا است. بلاتردید انقلاب اسلامی ایران نیز در آغاز قرن بیست و یکم و هزاره سوم میلادی آن چنان اثرات عمیقی بویژه در ابعاد فرهنگی، برگشت ناپذیر تغییر جهت داده است به طوری که بنا به اعتراف اغلب اندیشمندان قرن جدید دیگر در برگرفته

مداوم سلطه غرب در همه ابعادش نخواهد بود و می‌رود که عصر و دورانی جدید را رقم بزند را رقم بزند که در آن اسلام و مسلمانان نقش برجسته تری ایفا خواهند کرد. در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ایده اسلام سیاسی، به تدریج این ایده بدلیل افکار آرمانگرایانه و طرح ارزش های جدید در عرصه بین الملل، در تقابل با غرب و شرق قرار گرفته و منافع قالب کشورها را نیز به خطر انداخت.

۲. وضعیت شیعیان در کشور پاکستان

به دنبال تقسیم شبه قاره در سال ۱۹۴۷ شیعیان به صورت بزرگترین اقلیت مذهبی درون اکثریت سنی مذهب پاکستان باقی ماندند (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی که شیعیان در آن ها از نوعی تمرکز جغرافیایی برخوردارند، در پاکستان چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. شیعیان این کشور در تمام شهرها و شهرستان ها پراکنده اند و این پراکندگی در سطح روستاها نیز به چشم می‌خورد.

مهمترین شهرهایی که شیعیان در آن ها سکونت دارند عبارتند از: کراچی، لاهور، ملتان، راولپندی، اسلام آباد، جنگ، سیالکوت، حیدرآباد، پیشاور، پانچنار، کوهات، اسکردو و کوئته (عارفی، ۱۳۸۴: ۲۰۱). تعداد شیعیان در پاکستان حدود ۲۷ تا ۳۵ میلیون نفر برآورد می‌شود، هرچند آمار دقیقی در این باره وجود ندارد (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۵).

از آغاز تشکیل پاکستان، شیعیان به رغم آنکه حضور چشمگیر و بدون دشواری های بسیار در رده های بالای حاکمیت به ویژه ارتش داشتند، هرگز بر آن نشدند که باورهای مذهبی خود را پایه و بنیان خواسته های سیاسی خود قرار دهند. این امر تا اندازه ای برخاسته از این حقیقت است که توده مردم پاکستان صرف نظر از این که حنفی، شافعی یا پیرو هر یک از فرقه های صوفی باشند، باورهای کمابیش همانند و یکسانی درباره مسائل دینی داشته اند. اختلاف نظرهای مکتب های فقهی و مذهبی بیشتر مربوط به دانش آموختگان و اعضای چنین مکتب هایی بوده و کمتر در آگاهی مذهبی مردم عادی تاثیر داشته است. این نکته را نیز می‌بایست یادآوری کرد که نزدیک به ۷۰ درصد جامعه شیعیان روستایی بوده اند (عارفی، ۱۳۸۵: ۴۷۶).

و همین امر بی گمان در شکل نگرفتن خودآگاهی فرقه ای و سازمان مذهبی تأثیری بنیادین داشته است. به طور کلی در جامعه پاکستان تا پیش از روی کار آمدن حکومت ضیاء الحق مرزبندی های قومی و زبانی و حتی طبقه ای اهمیتی بارها بیشتر از اختلافات مذهبی داشته است. نخستین تلاش ها

برای سازمان بخشی شیعیان در دوره ایوب خان آغاز گشت. از سال ۱۹۵۸ میلادی سازمان «وفاق المدارس الشیعه» به وجود آمد که توانست استادان و گردانندگان این مدارس را سازماندهی کند (عارفی، ۱۳۸۵: ۳۲۸ و ۲۶۹). همچنین «سازمان دانشجویان امامیه پاکستان» در سال ۱۹۶۲ م پایه گذاری شد. نظر انداختن به برنامه های این سازمان نشانگر گرایش های غیر سیاسی و خواسته های دینی فرامذهبی آن هاست. این برنامه عبارت بود از آشنایی دانشجویان با قرآن و سیره پیامبر و امامان، رشد استعدادهای علمی، اخلاقی و دینی و افزایش گرایش های وحدت و همسویی در دانشجویان، امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد کتابخانه و مکان های مطالعه، دفاع از حقوق دانشجویان در نهادهای آموزشی، گسترش روابط با گروه های دیگر اسلامی، ایجاد گروه های امدادی امامیه و ایجاد تسهیلات برای دانشجویان کوشنده سازمان (عارفی، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

۳. گذری بر اوضاع داخلی پاکستان در هنگام وقوع انقلاب در ایران

با اعلام برگزاری انتخابات مجلس های استانی در مارس ۱۹۷۷ گروه های مخالف دولت یک ائتلاف فراگیر به نام «اتحاد ملی پاکستان» به وجود آوردند که آمیزه ای بود از ۹ حزب اسلام گرا، چپ گرا و ملی گرا و در گستره ملی و منطقه ای و برنامه اصلی آن مقابله با کارهای غیراسلامی دولت بود. این ائتلاف نتوانست در مارس ۱۹۷۷ در برابر حزب مردم پیروز گردد. در زمانی کوتاه اعتراض های گسترده در شهرهای پاکستان که پایگاه مخالفان دولت بود شکل گرفت. پس از چند ماه کشمکش پر فراز و نشیب میان دولت ذوالفقار علی بوتو و اتحاد ملی پاکستان که حتی به پادریانی شماری از کشورهای اسلامی هم انجامید، ژنرال محمد ضیاء الحق رئیس ستاد مشترک ارتش با کودتایی که شگفتی بسیاری را برانگیخت دولت حزب مردم بوتو را کنار زد.

رژیم نظامی ژنرال ضیاء الحق با قرار دادن نظام آموزشی و حقوقی اسلام بر مبنای قوانین اسلامی، وضعیت قبلی مبنی بر حاکم بودن روح اسلامی بر قوانین و حکومت را به سیاست رسمی «اسلامی سازی» همه شئون تغییر داد. ضیاء در خلال تلاش های اسلامی سازی خود پاکستان را به مرکزی ایدئولوژیک و سازمانی برای جنبش جهانی اسلامی تبدیل کرد (شفیعی و قلیچ خان، ۱۳۸۹: ۳). این دوره، دوره رشد مدارس دینی بود، شمار مدارس دینی در دوره ضیاء الحق از ۶۳۶ به نزدیک ۳ هزار افزایش یافت (عارفی، ۱۳۸۵: ۸۷). ضیاء الحق می خواست این گونه مدارس را زیر پوشش و تحت سرپرستی دولت قرار دهد و البته بیش از پیش آن ها را نیرومند سازد. نه تنها انگیزه رویارویی با خطر کمونیسم، ضیاء الحق را برانگیخت تا علما و طلبه های این مدرسه ها را بر ضد گرایش های چپ

بسیج نماید، بلکه آرزوی ضیاء الحق برای ارائه اسلامی سازی یکدست و یکپارچه از اختلافات مذهبی و فرقه ای که بتواند به ایدئولوژی پاکستان تبدیل بشود، وی را به سوی حمایت گسترده از مدرسه های دینی کشاند (امیری، ۱۳۷۲: ۲۶۶).

سیاست آموزش ملی که در سال ۱۹۷۹ به تصویب رسید، وفاداری به اسلام، همگانی کردن آموزش ابتدایی با افزایش دبستان ها به ویژه در مساجد، تشویق بخش آموزش خصوصی و همچنین راه اندازی دانشگاه ویژه زنان را به عنوان پاره ای از راهبردهای خود پذیرفت. در دوره ضیاء الحق آموزش دروس اسلامی افزون بر مدرسه های ابتدایی در سطح دبیرستان و دوره کارشناسی الزامی گردید (امیری، ۱۳۷۲: ۱۱۴ و ۲۵۹).

در دوران حکومت ضیاء الحق (۱۹۷۷-۱۹۸۸)، اسلام به طور گسترده در حوزه عمومی جامعه عهده دار نقش ها و کارکردهای گوناگون شد و دیدگاه های اسلام گرایان در ساختار دولت نمود یافت. در این دوره اسلامی شدن قوانین در سیاست و فرهنگ عمومی جا افتاد، این امر نمونه ای بی مانند از ترویج سیستماتیک اسلام گرایی از بالا بود، رژیم ضیاء الحق دربرگیرنده دیدگاه های اسلام گرایان در مورد دولت و جامعه بود و اسلام گرایان از آن ها نه تنها برای پایان گرفتن ستیز با هدف تضعیف اسلام گرایی بهره برداری کردند، بلکه قدرت داخلی و بین المللی خود را نیز گسترش دادند. از سوی دیگر ژنرال ضیاء الحق برای کسب حمایت روحانیون و نهادهای اسلامی پاکستان، سازمان ارتش را به ایدئولوژی اسلامی مجهز ساخت.

۴. تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر تشدید خشونت های ضد شیعی

وقوع انقلاب اسلامی در ایران، افزون بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، در فراسوی مرزها نیز حرکت کرد و پایداری خود را در گسترش ایدئولوژی در ابعاد جهانی دید(احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶). این انقلاب به عنوان یک تحول بزرگ در کانون جغرافیایی جوامع شیعی رخ داد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران خود به خود به هویت یابی، خودآگاهی و معرفی شدن شیعه منجر شد. تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شیعیان به صورت آتشی زیر خاکستر بودند. آنان نقش زیادی در مناسبات سیاسی حکومت ها و ساختار قدرت جهانی نداشتند. انقلاب اسلامی باعث برانگیخته شدن شیعیانی شد که به عنوان بخش خاموش جوامع مسلمان تا آن زمان هیچ گونه نقشی در سرنوشت خود و در ساختار سیاسی کشورهای خود نداشتند. در اثر انقلاب اسلامی، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان که رو به خاموشی می رفت تقویت شد و آنان جرات و شجاعت خود را بازیافتند. شیعیان

پس از یک دوره سستی با ظهور انقلاب اسلامی از خواب غفلت بیدار شد و هویت تازه ای یافتند (احمدی، ۱۳۸۹: ۵۶). قدرت یابی شیعه در ایران یا به عبارتی برخوردار شدن آن از ماهیت ایدئولوژیک، باعث شد تا حوزه نفوذ ایران در مناطق پیرامونی گسترش یابد (احمدی و لطفی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)؛ در این میان شیعیان پاکستان تاثیرات عمده ای از انقلاب ایران پذیرفتند (غفرانی، ۱۳۸۷: ۲۲). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پاکستان اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. ظهور انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی در حیات سیاسی ملت پاکستان محسوب می‌شود، انقلاب اسلامی ایران در بدو امر تاثیر جدی بر تمامی مردم پاکستان اعم از شیعه و سنی داشت و با توجه به مشترکات و علائق دو ملت، چنین تاثیری دور از انتظار نبود. با انقلاب ایران احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا به آینده اسلام سیاسی امیدوار شدند، این تاثیرپذیری چنان عمیق بود که بسیاری از تحلیلگران مسائل سیاسی احتمال وقوع انقلاب دیگری در پاکستان را بسیار زیاد می‌دانستند و پاکستان را حلقه دوم انقلاب اسلام بعد از ایران معرفی کردند. علاوه بر تاثیرگذاری انقلاب در سطح کلان که تا اندازه ای قابل پیش بینی بود، مسئله مهمتر متاثر شدن شیعیان از انقلاب ایران بود، این انقلاب موجب احیاء مجدد حیات اجتماعی شیعیان پاکستان شد. در شرایطی که کشور پاکستان تحت سلطه ژنرال ضیاءالحق اداره می‌شد شیعیان به دلیل بی توجهی متوالی و مدید دولت‌های وقت نسبت به حقوق آنان و نیز عدم هماهنگی در بین خود شیعیان و تشنت و پراکندگی آنان در وضعیت اسفباری قرار داشتند. وقوع انقلاب اسلامی ایران نقطه آغازی بود بر این که شیعیان خود را بازیابند و لزوم وحدت و همبستگی جهت احقاق حقوق پایمال شده خود را بیش از پیش احساس نمایند. (اکبرپور، ۱۳۷۶: ۹۰) در پی انقلاب اسلامی، شیعیان در کشور پاکستان، جسورانه هویت فرقه ای خودشان را اظهار کرده و مراسم عبادی خود را به جای آورده و نارضایتی خود را از حکومت موجود بیان نمودند (ماهنامه اخبار شیعیان، ۱۳۸۷: ۵۴).

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران طرفداران این انقلاب در پاکستان فعالیت‌های تشکیلاتی خود را تشدید کردند و به نفع جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاسی تبلیغ کردند. نخستین سازمان سیاسی شیعیان یعنی «تحریک نفاذ فقه جعفری» به ریاست «مفتی جعفر حسین» و اندکی پس از گردهمایی اعتراضی بزرگ شیعیان در شهر بکر پنجاب در فوریه ۱۹۷۹ م ایجاد شد. این گردهمایی به خاطر بیان مخالفت با سیاست دینی ضیاءالحق به ویژه در مورد زکات، تحمیل فقه حنفی بر پیروان دیگر مذاهب و ایجاد محدودیت در برگزاری آیین شیعه مانند سوگواری محرم برگزار شد. بنابر فرمان ضیاءالحق مقرر شده بود که زکات از همه افراد و درآمدها ستانده شود، در حالی که فقه شیعه

پرداخت زکات را بر شمار اندکی از کالاها واجب می‌دانست.

خواسته های شیعیان که در گردهمایی بکر بیان شد، عبارت بودند از این که هر دادگاهی که یک شیعه را مورد محاکمه قرار می‌دهد باید بر پایه فقه جعفری عمل کند؛ همه درآمدهای زیارتگاه های شیعیان باید برای امور مذهبی آنها هزینه گردد؛ دولت باید همه محدودیت ها برای سوگواری امام حسین و نیز مسافرت شیعیان به شهرهای مقدس ایران و عراق و عربستان را بر دارد؛ علمای شیعه و احکام آن می‌بایست در دادگاه های شریعت نمایندگی داشته باشند و برنامه های مذهبی شیعیان از رادیو، تلویزیون پخش شود.

به این ترتیب شیعیان که انقلاب ایران روحیه جدیدی به آنان بخشیده بود، توانسه به رهبری مفتی جعفر حسین مبارزاتی را برای کسب حقوق از دست رفته خود آغاز کنند و در سال ۱۹۸۰ دولت پاکستان که از یک سو به علت فوت محمود و مولانا مودودی فشار کمتری را از جانب اهل سنت تحمل می نمود و از سوی دیگر شیعیان را در موضع قدرت می دید و مبارزات آنان را جدی تلقی می نمود با رهبران شیعه پاکستان توافقی به عمل آورد و پذیرفت شیعیان بر اساس فقه جعفری در مورد زکات عمل کنند و دیگر حقوق شیعیان نیز به وسیله دولت مورد توجه قرار گیرد. در سال ۱۹۸۴ م تحریک خود را به عنوان یک حزب سیاسی معرفی نمود.

در ژولای ۱۹۸۷/ تیر ۱۳۶۶ منشور سیاسی تحریک نفاذ فقه جعفری در گردهمایی لاهور به تصویب رسید که در آن از هم پاکستانی ها می‌خواست تا برای ایجاد نظام سیاسی تلاش کنند. در منشور تحریک که به «سیلنا» نامیده شده درباره حکومت و نظام سیاسی آمده بود: اساس و زیربنای نظام حکومت اسلامی بر این است که حق حاکمیت فقط و فقط از آن خداست. به معنای این است که هیچ فرد و طبقه یا گروهی بر آن حاکمیت ندارند(عارفی، ۱۳۸۲: ۱۲۲-۱۲۳).

در بدو امر حضور جمهوری اسلامی ایران در هماسیگی پاکستان و روابط حسنه بین دولت های دو کشور باعث شد از فشار بیشتر علیه شیعیان کاسته شود، لکن به تدریج فشارها علیه جامعه شیعه شدت یافت(اکبرپور، ۱۳۷۶: ۹۱). به دلیل اینکه شیعیان این کشور بیش از دیگر گروه ها از وقوع انقلاب اسلامی در ایران خشنود و بهره مند شدند، در نتیجه این تفکر که انقلاب مذکور مختص شیعیان بوده و هدف بعدی آن پاکستان است، سران سیاسی و رهبران گروه های مذهبی اهل سنت را به انقلاب اسلامی ایران بدبین نمود و واکنش های منفی آنها در قبال ایران و سیاست های ایرن کشور را در پی داشت. سرانجام گروه هایی در درون جامعه اهل سنت پاکستان اعلام وجود نمودند که هدف اصلی خود را در مقابله با گروه هایی عنوان نمودند که به نوعی خواستار وقوع انقلاب اسلامی به سبک ایران

در پاکستان بودند. سپاه صحابه در سپتامبر ۱۹۸۵ م به پیشگامی یکی از چهره‌های جمعیت علمای اسلام و تحت تاثیر اندیشه‌های وهابی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت. هسته اصلی سپاه صحابه در پنجاب شکل گرفت و به احتمال فراوان ریشه اجتماعی و نه مذهبی داشته است (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

از این زمان به بعد درگیری‌های فرقه‌ای شدت بیشتری یافت و تعداد زیادی از اعضای گروه‌های مذهبی متعلق به شیعیان و اهل سنت در این خشونت‌ها کشته شدند. به این ترتیب دوران حکومت ضیاءالحق پاکستان که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود آغاز مرحله جدیدی از گسترش و تشدید نزاع‌های فرقه‌ای بود که بعد از آن در زمان بی نظیر بوتو، نواز شریف و ژنرال مشرف این روند کماکان تشدید گردید و تا امروز این کشور در آتش شعله‌های اختلاف و درگیری فرقه‌ای می‌سوزد.

وقایع پس از انقلاب ایران در پاکستان نشان می‌دهد که استکبار در دو محور به مبارزه و مقابله با انقلاب اسلامی برآمد. محور اول عبارت بود از ایجاد تفرقه بین شیعیان و اهل سنت پاکستان و دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و تبلیغ این موضوع که انقلاب ایران انقلابی شیعی است و مدافع شیعیان است و می‌خواهد به وسیله شیعیان پاکستان حکومتی شیعی در پاکستان حاکم کند و سنیان را از میان بردارد. محور دوم فعالیت‌ها به منظور جلوگیری از نفوذ انقلاب ایران عبارت بود از اسلام‌گرایی حکومت، این حرکت از زمان ضیاءالحق شروع شد. ضیاءالحق دستور اجرای قوانین اسلامی را صادر کرد و لایحه شریعت را برای تصویب در مجلس آماده نمود و با اعلام ممنوعیت فرو مشروبات الکلی، اخذ زکات و ... ظاهری اسلامی به حکومت بخشید و از طرفی با جذب بسیاری از علمای اهل سنت و حمایت غیرمستقیم از آنها خود را مدافع آنان در مقابل هجوم اسلام شیعی نشان داد.

لازم به ذکر است که تا دهه ۱۹۷۰ افراط‌گرایی مذهبی به موارد محدود درگیری شیعه و سنی هنگام مراسم عزاداری محرک محدود می‌شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ با وقوع حوادثی که توضیح داده شد و تحت برنامه اسلامی سازی ضیاءالحق، گروه‌های اسلامی و تندرو اهل سنت مانند سپاه صحابه فضای مناسبی برای فالیته پیدا کردند و دامنه فعالیت خود را از مطالبات کلی حکومتی به مطالبات جزئی و مشخص افزایش دادند. در برابر زیاده‌خواهی اهل سنت تندرو، شیعیان نیز به ایجاد گروه‌های مذهبی، سیاسی و نظامی اقدام کردند و به مقابله برخاستند. از این مقطع به بعد عوامل برون سیستمی نیز به این مجموعه اضافه شد و درگیری‌های شدید آنها با یکدیگر در دهه ۹۰ به ترور شمار زیادی از علمای شیعه و سنی انجامید (شفیعی و قلیچ خان، ۱۳۸۹: ۵). در زیر نقش

عربستان در تشدید خشونت های ضد شیعی بعد از انقلاب بررسی می شود:

۱-۴. عربستان سعودی

تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، عربستان رهبر بلامنازع جهان اسلام تلقی می شد و بر این اساس موقعیت ممتازی در جهان داشت، پس از انقلاب اسلامی این کشور به عنوان رهبر کشورهای اسلامی مطرح شد که نتیجه این امر آغاز یک رقابت ایدئولوژیکی بین ایران و عربستان برای کسب موقعیت رهبری در جهان اسلام شد و این دو کشور سردمدار دو ایدئولوژی متفاوت و حتی متعارض شدند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، با وقوع حوادثی در عربستان سعودی همزمان گردید که منجر به ترس عربستان از بازتاب انقلاب اسلامی در میان شیعیان این کشور شد.

یکی از نخستین سیاست هایی که از سوی عربستان سعودی در کشورهایی که در معرض تاثیرات انقلاب اسلامی قرار داشتند اتخاذ گردید، ایجاد روابط حسنه و گسترش همکاری های دوجانبه با این کشورها بود، پس از این که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و آمریکا، مهمترین متحد منطقه ای خود را در خاورمیانه از دست داد، عربستان نیز نقش محوری تری در سیاست های آمریکا به خود اختصاص داد، از این رو عربستان با نظر مساعد آمریکا به حمایت از کشورهای که تقویت آنها در برابر افکار انقلابی ایران لازم به نظر می رسید را بر عهده گرفت. پاکستان از جمله کشورهایی بود که وضعیت جدید منطقه بیشترین تاثیرات را بر روی آن می توانست داشته باشد (هادیان، ۱۳۸۹: ۸۴).

پاکستان با توجه به شرایط زمانی و موقعیت مکانی خود ترجیح داد روابط حسنه خود را با هر دو کشور ایران و عربستان حفظ کند. همین امر باعث شد که ایران و عربستان برای فعالیت های ایدئولوژیکی خود در پاکستان از آزادی کامل برخوردار باشند، این مسئله به صورت فرقه گرایی و درگیری شیعیان طرفدار ایران و وهابی های حامی عربستان ظاهر گشت. با پیروزی انقلاب اسلامی و ارتقای موقعیت شیعیان در سطح منطقه و جهان عربستان سعی نمود در مسیری حرکت کند که موقعیت خود را علیه گروه های شیعی در کشورهای اسلامی تقویت نماید. به همین خاطر وقوع انقلاب اسلامی در ایران سران عربستان را در تعقیب اهداف سلفی گرایانه خود در پاکستان و در سطوح گوناگون آن به ویژه در سطح عمومی ترغیب نمود، پس از آن دلارهای نفتی عربستان سعودی برای پیشبرد اهداف و سیاست های مورد نظر این کشور به پاکستان سرازیر گشت و بسیاری از احزاب و گروه های تبلیغی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متعددی از جانب دولت عربستان مورد حمایت و تقویت مالی و فرهنگی قرار گرفتند (نظیف کار، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

نقوذ عربستان سعودی و اندیشه های وهابی به درون جامعه پاکستان برای اولین بار می توان به دوره جهاد

در افغانستان مربوط دانست. با اشغال افغانستان توسط شوروی و آغاز مبارزات افغان‌ها علیه روس‌ها، عربستان سعودی کمک‌های زیادی به پاکستان کرد تا جهاد در افغانستان را رونق بخشد. قسمت عمده‌ای از این کمک‌ها صرف تأسیس مدارس دینی در پاکستان شد، تا طلاب آموزش دیده در این مدارس به مبارزین یا جهادیون در افغانستان تبدیل شوند و در مقابل شوروی بجنگند. این مدارس مذهبی در اولین گام، جهاد با کفار را آموزش می‌دادند؛ اما توجه به ماهیت استادان این مدارس که اکثر قریب به اتفاق تحصیل کرده آموزشگاه‌های افراطی عربستان سعودی بودند، چاشنی دروس آنان آموزش عدم بردباری مذهبی و در نتیجه کافر و مشرک پنداشتن هر که، جز پیرو مکتب سلفی و وهابی بود. یکی از اهداف عربستان از گسترش تبلیغات وهابیت دامن زدن به احساسات ضد شیعی و ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی بوده است؛ لذا در طول سال‌های جهاد افغانستان، حجم زیادی از ادبیات افراط‌گرایانه و فرقه‌گرایانه در پاکستان منتشر شد. تمایلات سیاسی عربستان سعودی در بهره‌گیری از این جریان افراط‌گرایی مذهبی در پاکستان و افغانستان برای محدودسازی پیامدهای انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از انتشار آن به حدی آشکار است که نیاز به توضیح ندارد. تحلیلگران پاکستانی و غیرپاکستانی بارها اظهار کرده‌اند که پاکستان در خلال سه دهه گذشته درگیر جنگ نیابتی میان ایران و عربستان در خاک پاکستان شده است (شفیعی و قلیچ‌خان، ۱۳۸۹: ۳).

در دوره حکومت ضیاءالحق روابط عربستان و پاکستان به اوج خود رسید. ژنرال ضیاءالحق که به مکتب دیوبند تعلق داشت، راه را برای ترویج وهابیت در پاکستان باز گذاشت. وی در طول بیش از یک دهه حکومت خود بیست و هفت بار از عربستان دیدن کرد که این امر نشانه عمق روابط وی با سران عربستان سعودی است، در این دوره فعالیت‌های تبلیغی، مذهبی عربستان سعودی به بالاترین حد خود رسید. به طوری که مکتب دیوبند که اشتراکات و ارتباطات زیادی با وهابیت داشت پیوند خود را با آن عمیق‌تر نمود (هادیان، ۱۳۸۹: ۸۰). به این ترتیب با تعمیق روابط عربستان با این کشور، در دوره ضیاءالحق زمینه‌های گسترش وهابیت در پاکستان فراهم شد. از ترکیب وهابیت با قومیت‌گرایی پشتون و مکتب فکری دیوبندیسلم، طالبانیسم در منطقه شکل گرفت. این نیروی نظامی جدید مهمترین نقش را در رواج تثبیت فرهنگ خشونت و ترور علیه شیعیان ایفا کرده است. حمایت‌های سخاوتمندانه عربستان از ترویج وهابیت در پاکستان در قالب احداث مدارس مذهبی از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی اوج گرفت، زیرا غرب و عربستان زبان و ایده انقلاب شیعی را رقیبی برای خود می‌دانند که قادر است فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار دهد.

تبلیغ وهابیت در پاکستان به روش های مختلف فرهنگی، علمی، آموزشی، حمایت های مالی و ... انجام می گیرد نتیجه ای جز تقویت گروه های تروریستی و خشونت طلب و افروختن آتش فتنه میان شیعه و سنی و تزاید خشونت و کشتار فرقه ای نخواهد داشت (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). در مجموع می توان سیاست عربستان برای جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی ایران در پاکستان را به شرح زیر خلاصه کرد:

۵. ارائه کمک به دولت پاکستان

عربستان همواره یکی از حامیان اصلی و کمک دهندگان اقتصادی پاکستان بوده است و در اکثر مواقع بحرانی حمایت های مالی فراوان از پاکستان به عمل آورده است. از جمله در دوران جنگ افغانستان زمانی که پاکستان نیاز شدیدی به کمک های خارجی داشت کمک های عربستان بسیار تعیین کننده بود. که نتیجه آن توسعه و گسترش نفوذ سلفی - وهابی بود که با سرمایه گذاری بسیار حساب شده و موثر عربستان عملی شد. صدها هزار مدرسه دینی در ایالت های پشتون نشین سرحد و بلوچستان پاکستان احداث شدند و هزاران طلبه عمدتاً پشتون در این مدارس به تحصیل علوم دینی پرداختند. عربستان همچنین حمایت تسلیحاتی مجاهدین را به عهده گرفت (ملازهی، ۱۳۸۶: ۷۷).

احزاب و گروه های سیاسی نسبتاً زیادی در پاکستان وجود دارند که طرفدار وهابیت می باشند. عربستان سعودی برای این که این احزاب را هر چه بیشتر به حکومت سعودی وابسته نماید و از سوی دیگر موقعیت آنها را در جامعه پاکستان تقویت نماید کمک های مالی زیادی به این احزاب و گروه ها می کند. به غیر از کمک های دولتی، سازمان های غیر دولتی عربستان نیز در جهت ترویج وهابیت کمک ها و اعانه های جمع آوری شده در مساجد این کشور را به پاکستان منتقل می کنند (مارسدن، ۱۳۷۹: ۲۰۴). از دیگر شیوه های فرهنگی پاکستان پرداخت مستمری به طلاب و دعوت از آنان برای تحمل در عربستان است. مهم ترین آرزوی طلاب و روحانیون جوان اهل سنت در پاکستان این است که به عربستان رفته و تحصیل کنند. همه ساله دهها هزار نفر از طلاب پاکستان به مدینه اعزام شده و آموزش های خاص می بینند. طبعاً این افراد پس از بازگست به منزله سفرای فرهنگی سعودی ها در پاکستان انجام وظیفه می کنند و پرچمدار تحرکات ضد شیعی می شوند. از دیگر طرفنها ایجاد مدارس و مساجد در مناطق شیعه نشین است و کمک های مادی به کسانی است که فرزندان خود را در این مدارس ثبت نام می کنند (بختیاری، ۱۳۶۳: ۴).

۶. تقویت وهابیون داخل پاکستان و به ویژه حمایت از سپاه صحابه

عربستان با استفاده از فرصت پیش آمده و با استفاده از فرصت پیش آمده و با توجه به این که یکی از تکیه گاه های عمده اقتصاد پاکستان محسوب می شود نهایت بهره برداری را برای نشر اسلام مورد نظر خود از کانال وهابیون پاکستان و فرقه دیوبندی و انجمن سپاه صحابه می نماید و این گروه ها با استفاده از کمک های عربستان سعودی به مقابله با انقلاب اسلامی و ایجاد درگیری علیه شیعیان پاکستان مبادرت می ورزند. دو هدف عمده وهابیت در صحنه سیاسی و اجتماعی پاکستان عبارت است: تبلیغات علیه انقلاب اسلامی ایران و تلاش به منظور اعلام پاکستان به عنوان یک کشور سنی. ضیاء الرحمن فاروقی هدف از تشکیل انجمن سپاه صحابه را واکنش علیه انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از گسترش آن در بین مردم پاکستان ذکر کرده است (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۲۸ آبان ۱۳۷۰). وی به دفعات ایران را متهم به در اختیار گذاردن سلاح و پول برای اجرای نهضت اجرای فقه جعفری نموده است (روزنامه ابرار، ۷ مهر ۱۳۷۰: ۴) و از دولت پاکستان تعطیلی خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را خواسته بود.

در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۷۰ مولانا عبدالرحمن از اعضای انجمن سپاه صحابه اعلام کرد هدف از فعالیت های سپاه صحابه، برقراری انقلاب سنی در پاکستان است. (اکبر پور، ۱۳۷۶: ۹۹). تقریباً در تمامی ترورهای مذهبی در پاکستان در سه دهه اخیر سپاه صحابه نقش داشته است. این گروه پس از انحلال در سال ۲۰۰۲، تشکیلات خود را با کمی دست کاری حفظ کرده است (شفیعی و قلیچ خان، ۱۳۸۹: ۶). سران این انجمن پیوسته در ارتباط با حکومت سعودی هستند و عمدتاً به دعوت وزارت حج و اوقاف عربستان به آن کشور اعزام می شوند بیشترین سهم را در دامن زدن به ناآرامی ها و آشوب های فرقه ای در پاکستان دارد.

در نهایت باید گفت نفوذ و قدرت فراسرزمینی، غیر رسمی و غیر دولتی تشیع در سطح منطقه به عنوان بستری بسیار مطلوب برای اعمال قدرت نرم نشان داده است که ایده انقلاب اسلامی درباره ماهیت رفتارها و رویکردهای اسلامی می تواند در دنیای مدرن به عنوان جایگزینی موثر و راهبردی در برابر «اسلام انگلیسی- وهابی» و «اسلام آمریکایی لیبرال مسلک» مطرح شود و با تقویت عناصر منطقی، معتدل و میانه روانه منش سیاسی اسلام گرا، در پی انسجام درونی دنیای اسلام برآید. لذا واکنش های زیادی برانگیخته که بارزترین جنبه آن خشون های فرقه ای ضد شیعی است (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

در این میان عناصر برون سیستمی در پاکستان در پی آن هستند که با جهت دهی خشونت ها علیه

شیعیان پاکستان، هویت جمعی افراط‌گرایان این کشور را تقویت کرده و در راستای اهداف راهبردی منطقه ای خود از آن بهره‌گیرند. هر اندازه آمریکا، انگلیس و عربستان احساس کنند جریان کلی سیاسی در منطقه به نفع ایران به عنوان (هارتلند ژئوپلیتیک شیعه) رقم می‌خورد، فشار خود را بر جامعه ضد شیعی و از جمله پاکستان خواهند افزود، که خشونت‌های ضد شیعی فرقه‌ای مخرب‌ترین و مهلک‌ترین آن است. محور آمریکا، اسرائیل، انگلیس و عربستان سعودی با هدف فشار بر ایران، سعی خواهند کرد با تضعیف و فشار بیشتر بر شیعیان منتهی‌الیه دنیای تشیع، موقعیت ژئوپلیتیک آنها را در این منطقه تضعیف کنند و مانع از قدرت‌گیری شیعیان در پاکستان شوند. بر این اساس خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان نوعی حمله پیشگیرانه علیه هر گونه تأثیرگذاری و قدرت‌یابی شیعیان در این منطقه است (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

نتیجه‌گیری

تداوم مقاومت پیروزمندانه حکومت اسلامی ایران در برابر فشار ابرقدرت‌ها و غرب، مسلمانان و جنبش‌های اسلامی را امیدوار ساخت و موجی از طرفداری از انقلاب اسلامی را در سراسر جهان اسلام به همراه آورد. به طوری که غرب آفریقا، شمال آفریقا، شرق آفریقا، شرق مدیترانه، ترکیه، آسیای مرکزی، قفقاز، جنوب آسیا، پاکستان، افغانستان، هند، جنوب شرق آسیا و غیر آن را به شدت متأثر کرد و روحیه استقلال‌طلبی، خودآگاهی، خودباوری و بازگشت خویشتن را در مسلمانان زنده داشت. در این راستا انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از رخداد‌های متمایز در عرصه بیداری اسلامی، نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی دنیای معاصر محسوب گشته که تغییرات زیادی را به همراه داشته است. این انقلاب در شرایطی به وقوع پیوست که کمتر کسی آن را در شرایط انقلابی تصور می‌نمود، بدان خاطر که برآوردهای ناشی از وضعیت جهانی در دوران دوقطبی و حمایت غرب از نظام حاکم بر ایران، بیانگر آن بود که تحولات دهه ۱۹۸۰ در ایران در نهایت به ثبات نسبی ختم می‌گردد.

علی‌رغم فشارهای شدید قدرت‌های بین‌الملل و سایر دولت‌ها در مقابله با این انقلاب، اما انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) توانست با تکیه بر تفکر اسلام سیاسی، نقش اسلام و مسلمانان را در کشور پاکستان و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته شده در برابر هویت جهان شمول غرب در این کشور قرار دهد. بررسی ابعاد تأثیرگذاری این انقلاب در پاکستان، حاکی از آن است که علی‌رغم مخالفت بسیاری از دولت‌های اقتدار‌گرای اسلامی، جمهوری اسلامی

ایران در راستای تعالی اهداف خود، با سعی و تلاش فراوان توانست تا مسلمانان جهان را در مسیر بازیابی هویت اسلامی و تشیع قرار داده و بررسی‌های موجود در این زمینه بیانگر آن است که این انقلاب بزرگ، تاثیرهای متفاوتی را در سطح کشور پاکستان داشته است که عبارتند از: بازتاب ملموس و چشمگیر ارزش‌های تشیع، تقویت و شتاب بخشیدن به جریان‌های انقلابی، برانگیختن ایدئولوژی و تفکر سیاسی اسلامی و فراهم شدن بهانه برای برخی از حکومت‌ها در سرکوب جنبش‌های اسلامی مخالف.

در پایان با توجه به اینکه امروز دور جدیدی از این جنبش در سراسر جهان به چشم می‌خورد و همه حکایت از بیداری عالم اسلام دارد. کشورهای اسلامی بایستی ضمن هوشیاری بیش از پیش با تقویت اتحاد و همبستگی میان خود استقلال جهان اسلام را در برابر غرب حفظ کنند.

منابع

۱. احمدی، سید عباس و دیگران (۱۳۹۱) «ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه

- پس از انقلاب اسلامی»، **فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی**، شماره ۸۰، صص ۶۵-۸۴.
۲. احمدی، سید عباس (۱۳۸۹) «نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ، مطالعه موردی: تشیع و ایران»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال ششم، شماره اول، صص ۳۷-۷۴.
۳. اکبرپور، رضا علی (۱۳۷۶) **نقش فرقه گرایی مذهبی (وها بیت) در روابط ایران و پاکستان**، پایان نامه ارشد رشته روابط بین الملل، راهنما دکتر محمد عسگرخانی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۴. بختیاری، علیرضا (۱۳۶۳) **ساختار سیاسی و مذهبی پاکستان**، تهران: روابط عمومی مجمع جهانی اهل بیت.
۵. پیشگاهی فرد، زهرا و امیر قدسی (۱۳۸۷) «بررسی و تحلیل ویژگی های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، **فصلنامه پژوهش های جغرافیایی**، شماره ۶۳، بهار، صص ۸۱-۹۹.
۶. جمالی، جواد (۱۳۸۶) «هلال شیعی و هژمونی آمریکا»، **فصلنامه شیعه شناسی**، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۷-۳۱.
۷. جمالی، جواد (۱۳۸۸) «معنا شناسی خشونت های ضد شیعی در پاکستان»، **فصلنامه مطالعات منطقه ای جهان اسلام**، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۳۳-۱۴۴.
۸. حافظ نیا، محمدرضا و سید عباس احمدی (۱۳۸۸) «تبیین ژئوپلیتیکی اثر گذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان»، **فصلنامه شیعه شناسی**، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۷۳-۱۰۹.
۹. حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۳) «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال هفتم، شماره ۲۸.
۱۰. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۱) «تمدن اسلامی-ایرانی الهام بخش موج سوم بیداری اسلامی»، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی**، سال نهم، شماره ۲۸.
۱۱. درخشه، جلال و محمد مجیری (۱۳۹۰) «انقلاب اسلامی ایران و تحول در حرکت شیعی عربستان سعودی»، **فصلنامه شیعه شناسی**، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۳۵-۷۰.
۱۲. عارفی، محمداکرم (۱۳۸۵) **شیعیان پاکستان**، قم: انتشارات شیعه شناسی.
۱۳. غفرانی، پیروز (۱۳۸۷) «پاکستان، گذشته، حال و آینده»، **ماهنامه رویدادها و تحلیل ها**،

۲۵۵ □ بررسی نقش خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان بعد از وقوع ...

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ج ۲۲، ش ۲۱۷، صص ۱۷-۲۳.

۱۴. فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۸) «ایدئولوژی تشیع، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی»، فصلنامه

تخصصی پانزده خرداد، دوره سوم، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۳۷-۶۶.

۱۵. مارسدن، پیت (۱۳۷۹) **طالبان؛ جنگ و مذهب و نظام جدید در افغانستان**، ترجمه

کاظم فیروزمند، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

۱۶. محمدی، منوچهر (۱۳۸۰) **انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها**، قم: دفتر نشر و پخش معارف.

۱۷. نظیف کار، غزاله و حسین نوروزی (۱۳۸۲) **بر آورد استراتژیک پاکستان**، تهران: انتشارات

موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

